[253] بخدا سوگند صبح كردم در حاليكه نسبت به دنياى شما بى ميل ونسبت به مردان شما ناراحتم، آنان را از دهان خويش بدور افكنده، وبعد از شناخت حالشان به آنان بغض ورزيدم، پس چه زشت است كندى شمشيرها وسستى بعد از تلاش وسر بر سنگ خارا زدن، وشكاف نيزه ها وفساد آراء وانحراف انگيزه ها، وچه زشت است ذخيره هائى كه پيش فرستادند، وخداوند بر آنان خشم گرفته ودر عذاب جاودانه خواهند بود، بدون شك مسئوليت اين عمل بعهده ايشان بود وسنگينى آن بدوششان است، وننگ وعارش دامنگيرشان مى گردد، پس اين شتر بينى بريده وزخم خورده باشد، وگروه ستمكاران از رحمت الهى بدورند. واى بر آنان، چگونه خلافت را از مواضع ثابت وبنيانهاى نبوت و ارشاد، ومحل هبوط جبرئيل، وآگاهان به امور دين ودنيا دور ساختند، آگاه باشيد كه اين زيان بزرگى است، وچه عيبي از على (عليه السلام) گرفتند، بخدا سوگند عيب أو شمشير برانش، وبى اعتنائي به مرگ، وشدت برخوردش، وعقوبت دردناكش، واينكه غضبش در راه رضاى الهى بود. بخدا سوگند اگر از راه روشن بدور رفته، واز پذيرش طريق مستقيم كناره مى گرفتند، آنانرا بسوى آن آورده وبر آن وامى داشت، وبه سهولت براهشان مى برد، واين شتر را سالم به مقصد مى رساند، كه راهبرش را دچار زحمت نكند وسواره اش را ملول نگرداند، وآنان را به محل آب خوردنى مى رساند، كه آبش صاف وفراوان بوده واز آن لبريز باشد وهرگز كدر نگردد، وايشان را از آنجا سيراب بيرون مى آورد، ودر پنهان وآشكار برايشان ناصح بود. _____